



ویژگی‌های ممتاز دکتر فیاض

است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

● **۱. همت والا**
فیاض در آموختن و فراگیری علوم مختلف و زبان‌های گوناگون همتی والا و عزمی راسخ داشت. از این رو به رغم سخت‌گیری‌های پدر و مخالفتش با آموختن زبان‌های فرنگی، از نوجوانی به فراگیری زبان روسی همت‌گماشت تا آنجا که در مشهدکسی بهتر و بیشتر از او با زبان روسی آشنایی نداشت. او بعد از زبان فرانسه را هم به خوبی فراگرفت و با زبان‌های انگلیسی و آلمانی و لاتین آشنا شد تا آنجا که در مطالعات و پژوهش‌های خود از آن‌ها بهره می‌برد. تصمیم‌تحمیل برانگیز فیاض مبنی بر ادامه تحصیل، آن هم در آستانه چهل سالگی، نمونه‌ای دیگر از همت والا و اوست.

● **۲. وسعت نظر و بینش عمیق**
در سال ۱۳۴۴ وقتی دکتر فیاض به مشهد آمد و دانشکده ادبیات را بنیان گذاشت، با بلند نظری و عمق‌نگاهی که داشت، مجموعه‌ای از اقدامات را برنامه‌ریزی کرد تا نقش



سلیمان ساکت
دانشیار گروه زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه فردوسی

دکتر علی اکبر فیاض یکی از چهره‌های بنام علمی و فرهنگی خراسان در صد سال اخیر است. او با آنکه عمری به نسبت کوتاه داشته و تنها اندکی بیش از شش دهه زندگی کرده است، تأثیری شگرف در تأسیس و بنیان‌گذاری نهاد‌های علمی و فرهنگی در خراسان به ویژه مشهد داشته و در شکوفایی و بالندگی آن‌ها نقشی سترگ ایفا کرده است. همت، کوشش، بلند نظری و نقش آفرینی او تا بدانجا بوده است که دل‌بستگان فرهنگ و ادب خراسان او را به مثابه ستونی استوار و پشتوانه‌ای محکم برای علم و فرهنگ و ادب در این خطه زرخیز از ایران عزیز دانسته‌اند. به سخن دیگر، فیاض در میان نامداران ایران زمین و به ویژه در مقایسه با دیگر فرزندان خراسان، جایگاهی ویژه و ممتاز دارد. بی‌تردید این همه، نتیجه ویژگی‌هایی کم‌مانند و گاه منحصر به فرد بوده که به این تمایز و برجستگی انجامیده

دانشکده ادبیات به چارچوب تنگ و کوچک دانشکده محدود نشود. بنابراین از همان ماه‌های آغازین تأسیس دانشکده، به برگزاری نشست‌های پژوهشی و سخنرانی‌های علمی اهتمام ورزید و جلساتی به صورت ماهانه با حضور و سخنرانی بزرگان شهر تشکیل داد. جالب آنکه در این نشست‌ها، فرصتی برای سخنرانی‌های دانشجویی در نظر گرفته می‌شد و حتی در برخی از آن‌ها فیلم‌هایی نیز به نمایش درمی‌آمد. او به درستی می‌دانست که دانشجویان علاوه بر علم و دانش باید مهارت‌های دیگری نیز بیاموزند. از این رو در دانشکده کلاس‌های فوق برنامه‌ای چون «روزنامه‌نگاری» و «نمایش» برپا کرده بود. دکتر فیاض به ارتباط رشته‌های مختلف علوم انسانی با یکدیگر و تأثیر هر یک بر بالندگی و شکوفایی دیگری باور داشت. از این رو همه توان خود را برای تأسیس دانشکده معقول و منقول (الهیات امروز) به کار گرفت و با اتکا به تجربه موفق تأسیس دانشکده ادبیات، اینجا هم بنیایی نیک و مستحکم بنیان گذاشت.

● **۳. فیاض و سخت‌گیری و وسواس علمی**
فیاض به سخت‌گیری، دقت و وسواس علمی شهرت داشت. او نه تنها به دیگران سخت می‌گرفت و هیچ‌گونه بی‌مبالاتی و بی‌نظمی را نمی‌پذیرفت، که این سخت‌گیری را بیش از هر کس بر خود تحمیل می‌کرد. او در کار علمی و وسواسی عجیب داشت. از این رو به رغم آن همه علم و دانش و فضل و آگاهی، آثار بسیار کمی از او باقی مانده است. به سخن دیگر، ترجیح می‌داد تا بیشتر بخواند و بیاموزد تا بنویسد و بیاموزاند. زیرا به سختی به انتشار مقاله یا کتابی راضی می‌شد و همواره می‌اندیشید که باید آن را کامل ترکند و سپس منتشر نماید.

● **۴. تمرکز کاری**
فیاض دانشمندی جامع‌الاطراف بود و علاوه بر آگاهی عمیق از زبان و ادبیات فارسی و عربی و علوم اسلامی و فلسفه و تاریخ

و عرفان، با ادبیات اروپایی آشنا بود و علاوه بر این‌ها، در حوزه‌های گوناگون از جمله پزشکی، ریاضی، عکاسی، فن چاپ و ده‌ها موضوع دیگر مطالعات عمیق و وسیع داشت. همچنین به اصول نقد ادبی و اسلوب سنجش سخن مسلط بود. با این همه، عمر خود را بر سر «تاریخ بیهقی» گذاشت و عمده دقت و انرژی خود را صرف تصحیح این کتاب و تحقیق درباره آن کرد. به دیگر سخن، اگر از مقالات و یادداشت‌های محدود و نیز یکی دو اثر به نسبت کم برگ او بگذریم، تاریخ بیهقی یگانه اثر ممتاز و شاخص اوست که هنوز هم می‌درخشد و سرفرازی و نام‌برداری او را در پی دارد. تا آنجا که هرگاه از ابوالفضل بیهقی و کتاب سترگ تاریخ بیهقی یاد می‌شود، بی‌اختیار از دکتر فیاض هم سخن به میان می‌آید.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز کاری و محدود کردن فعالیت‌های پژوهشی به یک‌اثر و در عوض عمق بخشیدن به آن، به ماندگاری نام و تأثیرگذاری بیشتر و انجامیده است.

● ۵. استقلال رأی

فیاض دل بسته میز و جاه و مقام نبود. اگر می‌دید که در جایی تأثیرگذاری مدنظر خود را ندارد یا دیگران اصرار دارند که در کارش دخالت کنند، بلافاصله کناره می‌گرفت. برای نمونه، در سال ۱۳۴۱ وقتی دید که رئیس وقت دانشگاه در امور مربوط به دانشکده معقول و منقول (الهیات) با او مشورت نمی‌کند و خود مستقیم به تمشیت امور می‌پردازد، در نامه‌ای از عملکرد رئیس دانشگاه انتقاد و از سمت خود استعفا کرد.

بی‌تردید ویژگی‌های ممتاز دکتر فیاض به این موارد محدود نمی‌شود. اما افسوس که در این مجال، فرصت پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد.

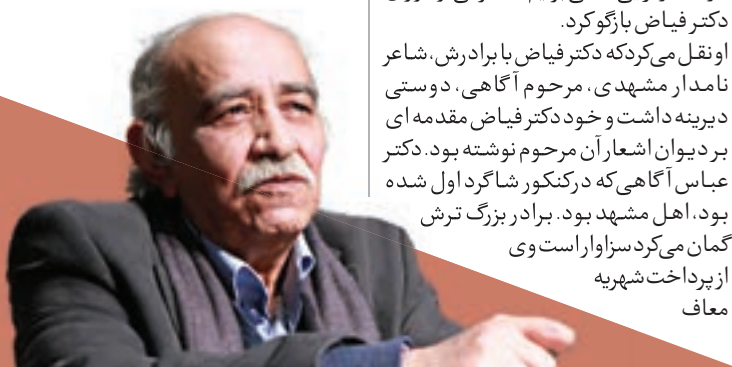
خداش رحمت کند که یاد و نامش همچنان درخشان و تابنده است و آثارش، چه کتاب‌ها و مقاله‌هایش و چه دو دانشکده ادبیات و الهیات، چون گوهرهایی فروزنده و چشم‌نواز جلوه‌گری می‌کنند.

گفتاری از دکتر مهدی نوریان در تحلیل رابطه دکتر فیاض با شاگردانش

استادی شاگرد پرور و دوراندیش

شود. آن روزها شهریه سالانه سیصد تومان بود. بنابراین نامه‌ای خطاب به دکتر فیاض نوشت و در پایان آن به شیوه ظریفی افزود: «خدای داند و من دانم و تو هم دانی/ که یک فلوس ندارد عبید زاکانی.»

او این نامه را به دست دکتر فیاض رساند. استاد نامه را خواند. تبسمی زد و نوشت: «بسیار خوب. شهریه ایشان در سه قسط دریافت شود. و نیز تحقیق کنید خانواده آگاهی چه نسبتی با عبید زاکانی دارند!» این پاسخ شوخ طبعانه و در عین حال منضبط، نشانگر شیوه مدیریت آن بزرگان است. آنان نه به خاطر دوستی کوتاه می‌آمدند و نه اصول را فدای احساس می‌کردند. و در عین حال برخوردی انسانی، لطیف و حکیمانه داشتند.



و سرآمد شدند. اگر کسی در جست و جوی آثار استاد دکتر فیاض باشد، باید به شاگردان برجسته‌اش بنگرد. یکی از آن آثار درخشان و شاخص، بی‌شک دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی است که در مکتب او پرورش یافت. و ده‌ها نفر دیگر که هر یک در زمینه علمی و فرهنگی خود مشعل فروزان آن مکتب‌اند. استادانی چون فیاض را نمی‌توان فقط در صفحات کتب جست. اثر آنان در قامت شاگردانشان مداوم یافته است.

یکی از فارغ‌التحصیلان دانشکده ادبیات، جناب دکتر عباس آگاهی، استاد زبان فرانسه، که سال‌ها در دانشگاه اصفهان تدریس کرده و اکنون بازنشسته و مقیم فرانسه است، در گفت و گویی تلفنی برایم خاطراتی از دوران دکتر فیاض بازگو کرد.

او نقل می‌کرد که دکتر فیاض با برادرش، شاعر نامدار مشهدی، مرحوم آگاهی، دوستی دیرینه داشت و خود دکتر فیاض مقدمه‌ای بردیوان اشعار آن مرحوم نوشته بود. دکتر عباس آگاهی که در کنکور شاگرد اول شده بود، اهل مشهد بود. برادر بزرگ ترش گمان می‌کرد سزاوار است و ی از پرداخت شهریه معاف

آن چنین نگاشت: «تقدیم به دانشمند یگانه و استاد فرزانه، جناب آقای دکتر فیاض، رئیس محترم دانشکده ادبیات مشهد.»

این قصیده در خورتوجه است و بخشی از آن را یاد می‌کنم. دکتر کرمی می‌گوید: «آشتی کردم با دوست پس از جنگ دراز/ هم بدان شرط که دائم بکنند با من ناز آخرین یار من از خلخ و ترکستان نیست/ به درم نامده در چنگ من از شهر طراز...»

تغزل قصیده‌ادامه می‌یابد تا به تخلص می‌رسد و شاعر محضر استاد را چنین می‌ستاید: «تا مرادید، بر ابروی بیفکنند گره/ کرد آن‌گاه به من سخت عتابی آغاز کاین همه بیهوده بر دانش خود غره مشو/ بی سبب این همه بر شعر تر خویش مناز...»

و شاعر در پایان از زبان شاگرد مشتاق می‌گوید: «گفتم این واقعه بر درگه استاد برم/ گویمش ای که نداری تو به یگیتی انباز خود سزا نیست که تو مید رود از در تو/ این کرمی که به سر آمده از راه دراز تو به ما چون پدر و ماهمه فرزند تو بوم/ دل فرزندان از مرهم علمت بنواز.»

این ابیات و مضمون‌شان خود نشانگر یکی از ابعاد شاخص شخصیت علمی دکتر فیاض است؛ یعنی توانایی در پرورش شاگردانی که هم در دانش و هم در ادب و منش، نمونه